



گفت‌وگو با حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمودی:

## افق‌های بین المللی

### را مورد توجه قرار دهیم

- متأسفانه در تعریف وحدت حوزه و دانشگاه هم ابهاماتی داریم!
- رسالت اصلی «جامعه اساتید»، تقویت و تعالی حوزه است.
- با رسالت تمدن‌سازی حوزه فاصله‌ی زیادی داریم.
- مسأله‌ی معیشتی طلاب مشکلی جدی است.

صفحه ۵ و ۶

مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه جامعه اساتید:

## علماء، از ما دغدغه‌هایشان را بخواهند

صفحه ۲

## آیا حجاب مسأله‌ای شخصی است؟

به قلم آیت الله دکتر کلانتری

و از علی (ع) نقل است که فرمود: لا بأس بالنظر الی رؤس اهل التهامه و الاعراب و اهل السواد و العلوج لانهم اذا نهوا لا ینتهون. «نگریستن به سر زنان تهامه [حجاز جنوبی]، بادیه نشینان، روستاییان و کافران ایراد ندارد، زیرا اینان هرگاه نهی شوند، ترتیب اثر نمی‌دهند.» ۲

و بر اساس پاره‌ای از روایات، نگریستن غیر عمدی به مو و بدن زنان دیوانه نیز خالی از اشکال است. ۳

این نصوص، گویای این واقعیت است که شأن و جایگاه زن مسلمان، با دیگران متفاوت است و باید با چشم دیگر بدو نگریست، چنان که همین نکته از برخی آیات سوره احزاب نیز قابل برداشت است.

در آیه ۵۹ این سوره پس از آن که خداوند از پیامبر (ص) می‌خواهد به همسران و دختران خود و نیز زنان مسلمان، فرمان پوشش دهد، می‌فرماید: ذلک أدنی آن یعرفن فلا یؤذین. «این کار برای این که از [کنیزان] شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است.»

واحدی نیشابوری به نقل از سدی نوشته است: شهر مدینه، دارای منازل تنگ و فشرده بود و زنان، شب‌هنگام برای انجام برخی امور، بیرون می‌رفتند. گروهی از فاسقان شهر نیز شبانه

بیرون رفته [مزاحم زنان می‌شدند] فاسقان، چون زنی را با پوشش می‌دیدند، می‌گفتند این آزاده است و او را رها می‌کردند و اگر زنی را بدون پوشش می‌دیدند، می‌گفتند: این کنیز است و متعرض او می‌شدند. ۴

باید گفت تکریم بودن حکم حجاب نیز بر این مبنا است که پوشش، با فطرت زن هماهنگ است و به دیگر سخن جوهره زن، عفاف و حیا است و از مظاهر این عفاف و حیا، پوشش است و از همین رو است که از قدیم در میان همه ملت‌های جهان به خصوص اقوام متمدن، حجاب برای زنان، کم و بیش وجود داشته است و نمی‌توان آن را از احکام ابداعی و تأسیسی اسلام دانست. و بر اساس همین مبنا اگر ادعا کنیم: «حجاب برای زنان، چیزی اجباری نیست بلکه بی‌حجابی، نسبت به او، تحمیلی است.» سخن به گراف نگفته‌ایم...

ادامه در صفحه ۳

از معضلات فرهنگی در جامعه امروز، مشکل بدحجابی در میان گروهی از بانوان ما است. البته به هیچ وجه شایسته نیست مبحث فرهنگ را به همین موضوع محدود کرده از دیگر موضوعات این عرصه که شاید برخی از آنها، حتی مهم‌تر و اساسی‌تر باشد، غفلت نماییم. چرا که این کار، افزون بر این که سطحی‌نگری است، موجب به حاشیه رفتن موضوعات بنیادین و اساسی در این عرصه می‌شود. ولی به هر حال ضروری است مشکل حجاب، به علت بروز و نمود آشکار آن در سطح جامعه و پیام‌های روشنی که دارد، از زوایای گوناگون مورد توجه قرار گیرد.

از مباحث مهم در این زمینه که اخیراً انعکاس بیشتری یافته و برخی از صفحات مجازی را نیز به خود اختصاص داده، این است که چرا باید دولت و نظام اسلامی، در این مسأله دخالت کند و با متخلفان از آن برخورد نماید؟

آیا بهتر نیست تصمیم در این مورد، به خود افراد محول شود و همان‌گونه که «نماز خواندن» و «روزه گرفتن» به انتخاب و اختیار اشخاص است و اگر کسی نماز نخواند یا روزه نگرفت، مورد سوال و تعرض قرار نمی‌گیرد، مسأله حجاب نیز چنین باشد؟

چنان که پیدا است، سمت و سو و صبغه این بحث، بیشتر فقهی است. بنا بر این لازم است این موضوع، از نگاه فقه مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد و به دور از هرگونه پیش‌داوری به آن رسیدگی شود. ولی خوب است پیش از پرداختن به این پرسش، به سه نکته مهم اشاره شود:

نکته نخست: از روایات به روشنی استفاده می‌شود که توصیه اسلام به پوشش بانوان، از مصادیق تکریم و ارج نهادن به کرامت انسانی و اسلامی آنان است. از پیامبر گرامی (ص) نقل است که فرمود: لا حرمة لئساء اهل الذمه آن‌ها را نظر الی شعورهن و ایدیهن «زنان اهل ذمه [نامسلمانانی که در پناه دولت اسلامی زندگی می‌کنند] حرمتی ندارند که به مو و دست آنان نگریسته شود.» ۱

### اول دفتر...

او این که رکود در هر عرصه و میدانی، همواره به زیان می‌انجامد امری است واضح. اما سرعت تغییر و تحول‌های امروز، چه تحول‌هایی که به سمت تعالی است و چه دگرگونی‌هایی که به سوی سقوط، ضرورت پویایی، تکاپو و فرار از رکود را بیش از پیش نمایان می‌کند.

نهاد مقدس حوزه‌ی علمیه نیز با پیشینه‌ی درخشانی که دارد، نه تنها از آسیب‌های بلندمدت و جبران‌ناپذیر رکود مصون نیست، بل که برای حفظ دست‌آوردهای پرنور سلف صالحش، نیاز بیش‌تری به تحرک دارد.

تکاپو و رکودگریزی حوزه، هم از جهت شکلی و ساختاری، و هم از نظر محتوایی ضروری است.

نشریه‌ی پیش رو تلاشی است برای کمک به پویایی بدنه‌ی موثر حوزه، با طرح و انتشار تولیدهای محتوایی علمی و هم‌چنین آرایه‌ی ابزارهای لازم حرکت رو به رشد، در ضمن معرفی مدل‌های تکامل ساختاری. در این میان اهمیت مطالب انگیزشی از یاد نرفته و به قطع این گونه مطالب جای‌گاه خود را خواهند داشت.

از سوی دیگر، «اندیشه‌ی جامعه» تلاش می‌کند حلقه‌ی وصلی باشد میان قشر فرهیخته‌ی حوزوی، و در این راستا معرفی اندیش‌مندان و اهل علم و فضل حوزه، اساتید بزرگوار و آثار ایشان را در کنار شناساندن «جامعه اساتید حوزه‌ی علمیه فارس» و بیان مواضع این جامعه، در دستور کار خود قرار داده است.

اینک و در آغاز این امر، از همه‌ی اساتید ارج‌مند، صاحبان رای و نظر و طلاب اهل علم و قلم می‌خواهیم در این مسیر خطیر و -ان شاء الله- ماجور، هم‌راه ما باشند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

برگزاری جلسه جامعه اساتید با حضور دکتر مریدی؛  
مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

## «علماء، از ما دغدغه‌هایشان را بخواهند»



به گزارش روابط عمومی جامعه اساتید حوزه علمیه فارس، مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در دو جلسه اخیر «جامعه»، ضمن استماع نکات و دغدغه‌های اعضای محترم، گزارشی مفصل از فعالیت‌های خود ارائه کرد.

رئوس مطالبی که از سوی اعضای محترم جامعه اساتید در جلسه نخست مطرح شد به این ترتیب است:

- بحث انتظار اداره ارشاد از حوزه علمیه برای فعالیت مطلوب فرهنگی در سطح شهر شیراز و استان فارس.

- اشکال به عدم وجود کتب مطلوبی که در سطح کشور منتشر شده‌اند در استان.

- عدم وجود انتشارات و چاپخانه مدرن در سطح استان جهت چاپ و انتشار مطلوب کتب صاحبان قلم.

- خلأ تولید محتوای هنری دینی در استان و کشور.

- نبود فعالیت فرهنگی و مذهبی در مکان‌های گردشگری با اصالت مذهبی در شیراز مانند حافظیه و... که باعث شده این مکان‌ها از فضایی فرهنگی به فضای غیرفرهنگی و گاه ضد فرهنگی تبدیل شوند.

همچنین دکتر مریدی ضمن ابراز خرسندی از برقراری چنین جلسه‌ای از سوی جامعه، با بیان بخشی از سوابق خود در امور مذهبی و حوزوی نکاتی را بیان نمود:

- توقع می‌رود علما همراهی و همکاری کنند و از ما دغدغه‌هایشان را بخواهند و ما در حد توان و بضاعتمان هر جا را که بتوانیم به نظرات دوستان حوزه جواب مثبت دهیم دریغ نخواهیم کرد.

- در شیراز هر کسی می‌خواهد خودش کار کند اما از تربیون نماز جمعه و منبر و محراب مسجد می‌توان مسئولان را به هماهنگی در عمل و اجرای کار فرهنگی دعوت کرد.

- حضور علمای فاضل و اهل تحقیق در شورای فرهنگ عمومی فارس یک ضرورت است.

- در زمینه دغدغه علمای شیراز و استان در مباحث فرهنگی و فعالیت‌های هنری و از جمله موسیقی نیز پذیرای نقطه نظرات عزیزان و راهکارهایی در این خصوص هستیم.

در پایان جلسه با توجه به ناتمام بودن بحث، ادامه‌ی مطالب به جلسه آتی موکول شد.

در جلسه‌ی دومی که با حضور اعضای معزز جامعه اساتید و جناب آقای دکتر مریدی برگزار

## انقلابی بودن

حجت الاسلام مهدی صنعتی

مدت‌هاست رهبر عزیز و فرزانه کشورمان در ادامه تلاش‌شان جهت احیای گفتمانی کشور و زدودن آثار اقدامات ناشایست دیگران در آینده‌سازی فضای جامعه اسلامی از گفتمان‌های بدلی، به تعیین و امتیازبخشی سره از ناسره پرداخته، به صورت ویژه بر گفتمان انقلابی بودن و انقلابی ماندن نظام اسلامی، نهادها، مسوولین، مردم عزیز، جوانان و بالاخص حوزه‌های علمیه تاکید دارند، تا جایی که در مورد اخیر فرمودند: اگر بخواهیم نظام اسلامی انقلابی بماند، اسلامی بماند، حوزه‌ی قم باید انقلابی بماند و از این راه، زیست مطلوب فردی-اجتماعی اقشار مختلف مردم به ویژه طلاب و روحانیون را مشخص نمودند.

روی کرد و گفتمان جدید معظم له اما، الزامات رفتاری متعددی در ساحت‌های مختلف را در پی خواهد داشت که لازم است به بحث و کنکاش گذاشته و به عنوان مثال شاخصه‌های مختلف و دقیق این زیست انقلابی روشن گردد تا از یک سو چارچوب‌های گفتمان مورد نظر شناخته شده و وظایف دلدادگان به انقلاب در این آزمون جدید شناخته شود و هم از سوی دیگر از اتخاذ رویکردهای نادرست با عنوان انقلابی‌گری و انقلابی بودن جلوگیری به عمل آید.

نگارنده، به عنوان مخاطب عام انقلابی بودن و خاص طلبه انقلابی و برای شناخت دامنه‌ی وظایف خود در تحقق فرامین مقام معظم رهبری (مدظله) پس از مراجعه به آرشیو سخنان مقام معظم رهبری - که بی شک بهترین میزان برای ارزیابی شاخصه‌های گفتمان مذکور است - و بررسی کلیدواژه انقلابی، به نتایجی دست یافت. معظم له در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵ موارد زیر را از جمله ویژگی‌های تفکر ایران انقلابی و ایرانی مسلمان انقلابی دانسته‌اند:

**تدین و پای‌بندی به ظواهر دینی و اخلاقی، تعمیق اعتقاد و ایمان و پای‌بندی به اصول اسلامی، اعتقاد به ظهور حضرت حجت و لوازم آن، تلاش در جهت شناساندن توانایی‌ها و توانمندی‌های نظام فکری اسلام و تفکر انقلابی، مومن به فرهنگ اسلامی، صداقت و جدیت، بصیرت و روشن‌بینی، داشتن روحیه مطالبه‌گری، خوش‌بینی و خوش‌روحمه‌گی، عدم بی‌خیالی و سهل‌اندیشی در مسایل، دارا بودن روحیه خدمت‌گزاری و آمادگی ورود در میدان‌های دشوار، رعایت قوانین و مقررات، عدالت‌طلبی عملی و نه شعاری، دور بودن از نفع طلبی، فساد، تبعیض و رفیق‌بازی، دارا بودن روحیه تلاش و کار، داشتن خودباوری، استقلال فکری سیاسی و اقتصادی، برخورداری از بیان منطقی قوی و مستحکم، آزاداندیشی و باور به لزوم آن، آمیختن دانش اندوزی با اندیشه‌ورزی و این دو را با پرهیزگاری و پاکدامنی، دفاع از حیثیت انقلاب و اسلام و جلوگیری از صدمه زدن به آن، نفی ظلم استکبار و استبداد، جرات و هویت انقلابی و اقدام بر اساس خودباوری، اعتقاد به مبانی نظام جمهوری اسلامی و حرکت بر اساس آن، قرارداد دادن مبانی انقلاب به عنوان اصول زندگی فردی، تلاش در جهت گسترش و روزآمد کردن پایه‌های فکری و نظری نظام جمهوری اسلامی، تلاش در جهت گفتمان‌سازی مبانی انقلاب و عدم وام‌گیری از واژه‌های بیگانه در واژه‌سازی‌های گفتمانی، باور به عزت ملی و اسلامی، حرکت در جهت رشد علمی، ابتکار و نوآوری در جهت تعالی کشور، قاطعیت در برابر دست‌اندازی، تجاوز و خدشه دار کردن استقلال ملی، فهم درست از موقعیت و علاقه‌مندی به آینده کشور، اذعان به قدرتمندی و تاثیرگذاری ایران در جهان، استغنا از تکیه زدن و آویزان قدرت‌ها بودن و پاسداری از انقلاب، تلاش در جهت ایجاد اقتصاد قوی و مقاوم و عمران و آبادانی سراسر کشور، جلوگیری از اختلاف و دودستگی و عمل بر اساس وحدت کلمه، تلاش در جهت تقویت دولت برای پیشرفت هدف‌ها و برنامه‌های اقتصادی مسئولان، تربیت جوانان انقلابی.**

بی شک شاقول موجود، جهت ارزیابی میزان انقلابی بودن و رصد کاستی‌ها و افزودن آنها به داشته‌های انقلابی خودمان بهترین معیار در روند رو به رشد انقلابی‌گری و حفظ شاخص‌های انقلابی‌مان خواهد بود و بر ما روشن خواهد کرد تا چه میزان در دایره انقلابیان هستیم و به چه میزان شاخصه‌ها و آداب انقلابی بودن را زیر پا گذاشته و از انقلابی ماندن دور گشته‌ایم. پر واضح است که در این مسیر، آن چه عاری از هرگونه فایده‌ای است برگزاری نشست‌ها و میزگردها با عناوین متعدد و با انگیزه انقلابی کردن حوزه، دانشگاه و یا هر نهاد دیگر از طریق آنهاست. چه آنکه کوتاه‌ترین راه در دستیابی به مطلوب، نگاه به خود است و قدم برداشتن در مسیر شاخصه‌های موجود و مشخص شده از جانب رهبر معظم انقلاب.

شد نیز، ابتدا نکاتی از سوی اعضای جامعه مطرح شد که اهم آن بدین شرح است:

آیت الله کلاتری با بیان این که تعارضی میان ملیت و دین وجود ندارد، ابراز داشت: برای تبیین این موضوع از سوی اداره ارشاد گروهی برای تحقیق و ارزیابی خروجی، به شکل کتاب و مقاله معین شوند.

ایشان با تاکید بر لزوم بررسی و پاسخ به شبهات، تشکیل جلساتی با همین محور از سوی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی را خواستار شدند.

همچنین حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمودی با تاکید بر ضرورت ذائقه‌سازی هنری، تغییر ذوق مردم از سوی بعضی منکرها به سمت معروف را وظیفه‌ی اداره ارشاد برشمرد.

همچنین ایشان با بیان فعالیت‌های انجام شده، خواستار پیگیری آن اداره برای برقراری کرسی‌های مفهوم‌شناسی هنر در دانشگاه و «فقه و هنر» در حوزه شد.

آیت الله عدالت نیز با بیان این که جلسات جسته و گریخته‌ی ادبی که هیچ نظارتی بر مفاهیم تبلیغی‌شان نمی‌شود، می‌توانند به آسیب تبدیل شوند، وظیفه‌ی اداره‌ی ارشاد را پیش‌قدم شدن در این حوزه و برپایی جلسات منظم و منسجم ادبی مثل حافظ‌شناسی و مولوی‌خوانی دانست.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عارف نیز با تاکید بر ضعف اداره‌های ارشاد شهرستان‌ها، یکی از دلایل اصلی کم‌فروغ بودن این ادارات را تامین نشدن بودجه دانست.

همچنین ایشان خواستار امضای توافق‌نامه‌ای میان حوزه و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شد تا این دو نهاد بتوانند از ظرفیت یکدیگر استفاده کنند.

دکتر بهزادی مریدی نیز در پایان ضمن بیان نکاتی درباره موارد اشاره شده از سوی اعضای معزز جامعه اساتید، مطالبی پیرامون تجمعات پاسارگاد و جعلی بودن هفته‌ی موسوم به کوروش بیان نمود.

این جلسه با صورتجلسه شدن چند مصوبه به پایان رسید.

**ادامه از صفحه نخست:** نیز بر اساس همین مبنا می‌توان گفت: بدحجابی یا بی‌حجابی برخی افراد، به نوعی، تجاوز به حقوق دیگران و از باب حق الناس است زیرا هرگونه رفتار که حجب و عفاف جامعه را خدشه‌دار نماید، ضربه‌ای است که به آرامش، سلامت و امنیت اجتماعی فرود می‌آید و موجب می‌شود بسیاری از مردان و پسران به دام فساد و فحشا افتند و این‌گونه زنان نیز ممکن است به دام مردانی بیفتند که به تعبیر قرآن از مصادیق «الذی فی قلبه مرض» هستند. (احزاب/ ۳۲)

این‌گونه زنان، از موانع رشد و کمال معنوی و از مزاحمان تعالی علمی و اخلاقی جوانان هستند و بستر ساز وضعیتی‌اند که برای آخرالزمان پیش‌بینی شده است.

بنا بر حدیثی، امیرالمومنین (ع) فرمود: در آخرالزمان و هنگام برپایی قیامت که بدترین زمان‌ها است، زنانی یافت می‌شوند

برهنه در حالی که زینت‌های خود را برای دیگران آشکار می‌نمایند. آنان، از دین بیرون رفته و در فتنه‌ها داخل می‌شوند و به سوی شهوت‌ها و لذت‌ها، حرکت نموده و حرام‌های خدا را حلال می‌نمایند. این‌گونه زنان، تا ابد در جهنم باقی خواهند ماند. ۵

نکته دوم: بحث حجاب و ضرورت پوشش مناسب، اختصاص به بانوان ندارد، پیراهن‌ها و بلوزهای

مردانه که بخش زیادی از سینه را نمی‌پوشاند، انداختن گردنبندهای طلایی توسط مردان، پوشیدن شلوارهای تنگ و بدن‌نما و... توسط ایشان نیز می‌تواند از مصادیق بدحجابی باشد.

نکته سوم: رشد و گسترش پدیده بدحجابی از یک سو و بی‌برنامگی و انفعال متولیان فرهنگی از سوی دیگر موجب شده، برخی امید به اصلاح وضعیت موجود را از دست بدهند و اساساً به این جمع‌بندی برسند که بیشتر بانوان جامعه ما، نه تنها بدحجاب بلکه خواهان رفع الزام درباره این حکم الهی هستند، حال آن‌که که هم تساهل و انفعال مسئولان در این باب و هم جمع‌بندی مزبور درباره زنان ایرانی خطا و نادرست است.

این‌گونه افراد، تنها بخشی از واقعیت را می‌بینند و به این واقعیت انکار ناپذیر توجه ندارند که درصد بالایی از زنان و دختران متدین و عقیف، ترجیح می‌دهند برای حفظ ارزش‌ها و باورهای دینی خود، کمتر در معابر عمومی ظاهر شوند، نیز به تجمعات بزرگ زنان محجبه در راهپیمایی‌ها، نماز عیدها و نماز جمعه‌ها توجه ندارند و زنان بی‌قید خیابانی را مبنای قضاوت خود درباره همه زنان ایرانی می‌دانند.

به طور کلی می‌توان زنان جامعه ایرانی را به لحاظ میزان التزام به پوشش، به سه دسته متمایز تقسیم کرد:

بانوان متدین و مقید به حجاب، چنانکه گفتیم بسیاری از بانوان، در شمار این دسته‌اند که به علت نداشتن انگیزه خودنمایی و تبرج، نمود و بروز کمتری دارند.

بانوان غافل و کم‌توجه به احکام و موازین اسلامی. می‌توان گفت بیشتر زنان و دخترانی که در معابر و اماکن عمومی با پوشش ناقص ظاهر می‌شوند و ما آنان را «بدحجاب» می‌دانیم کسانی‌اند که از حدود و ثغور حجاب اسلامی و ارزش و اهمیت آن، آگاهی کافی ندارند یا تحت تأثیر جو قرار گرفته‌اند و قبح بدحجابی را فراموش کرده‌اند. این‌گونه افراد، هیچ‌گونه تعمد و غرض‌ورزی ندارند و با ارشاد و کار فرهنگی مناسب، می‌توان رفتارشان را تغییر داد.

زنان و دخترانی که باید آنان را تابلوهای بدحجابی و مانکن‌های منحرفی دانست که با رفتارهای نامأنوس و غیرمعارف خود، در خدمت فرهنگ بیگانه قرار دارند و دانسته یا ندانسته به احکام و ارزش‌های اسلامی و ملی، دهن‌کجی می‌کنند. بی‌گمان این دسته، با ویژگی‌های یاد شده، در اقلیت قرار دارند و بدیهی است دستگاه‌های فرهنگی کشور، باید برای هر یک از این گروه‌ها، کارشناسانه و به نحوی خاص، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند.

پس از بیان این سه نکته مهم، وارد اصل مبحث می‌شویم و آن این‌که آیا پوشش به خصوص پوشش بانوان، مسأله‌ای است شخصی، و احکام مربوط به آن در همین محدوده، مفهوم و مورد پیدا می‌کند و در نتیجه دولت، حق مداخله در آن را ندارد؟

برخی به این پرسش، پاسخ مثبت می‌دهند و می‌گویند: حجاب امری خصوصی و شخصی است و ورود به حریم خصوصی افراد، نه تنها مطلوب نیست، بلکه جرم و گناه است و بدون اجازه، جایز نیست. ۶

و در استدلال بر سخن خود می‌گویند: در مورد حجاب، نه تنها شواهدی مبنی بر حکومتی بودن آن وجود ندارد بلکه مواردی در تاریخ شیعه وجود ندارد که زنی به دلیل رعایت نکردن حجاب مجازات شده باشد، هر جا امری مجازات داشته در کتب (روایت) جزء به جزء آن ذکر شده است. اما در

مورد حجاب، نه تنها روایتی در این زمینه نداریم بلکه احادیث زیادی وجود دارد که الزام زنان به رعایت حجاب و تقصیر آنان را به گردن شوهرانشان می‌گذارد نه حکومت، احکام مربوط به حجاب هم مثل نماز و روزه و نه مثل احکام حقوقی، فاقد ضمانت اجرایی اجتماعی است. ۷

باید در پاسخ گفت: این‌که آیا در دوران آغازین اسلام، زنی را به دلیل رعایت نکردن حجاب، تنبیه کرده‌اند

یا خیر نیاز به بررسی دارد ولی این واقعیت جای انکار نیست که پیامبر گرامی اسلام (ص) و برخی از امامان معصوم علیهم السلام در این زمینه و حتی گاه در مورد وضعیت آقایان، رهنمودها و گاه برخوردها و توبیخ‌هایی داشته‌اند. آنچه در ذیل می‌آید، نمونه‌هایی از این موارد است:

۱- نوشته‌اند در حجه الوداع، زنی جوان و زیبا از طایفه خثعم برای پرسیدن مسأله‌ای به حضور پیامبر (ص) رسید و در آن حال، فضل بن عباس، پسر عموی حضرت، پشت سر ایشان سوار بود. نگاه‌هایی میان آن زن و فضل رد و بدل شد، پیامبر متوجه شد که آن دو به هم خیره شده‌اند و زن جوان، به جای آن‌که توجهش به جواب مسأله باشد، همه توجهش به فضل است که جوانی نورس و زیبا بود. و از این رو رسول اکرم (ص) با دست خود، صورت فضل را چرخانید و فرمود: زنی جوان و مردی جوان، می‌ترسم شیطان در میان ایشان پای نهد. ۸

۲- در ذیل آیه قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم... (نور/ ۳۰) به نقل از ام سلمه آمده که وی گفت من و میمونه در خدمت پیامبر (ص) بودیم که این ام مکتوم [که مردی نابینا بود] آمد و این، پس از آن بود که ما دستور یافته بودیم حجاب را رعایت کنیم، پیامبر به ما فرمود: به

ما عرض کردیم: مگر نه این‌که او نابینا است و ما را نمی‌بیند؟ حضرت فرمود: آیا شما هم نابینا هستید و او را نمی‌بینید؟ ۹

۳- مردی زن‌صفت را نزد پیامبر (ص) آوردند که دست و پای خود را حنا گذاشته بود. حضرت پرسید: چرا چنین کرده؟ گفتند ای رسول خدا!

خود را شبیه زنان می‌سازد. پیامبر (ص) دستور تبعید او را به منطقه‌ای در مدینه به نام «نقیع» صادر فرمود. ۱۰

۴- پیامبر (ص) خطاب به حولاء [که زنی عطر فروش بود] فرمود: حولاء! زینت را برای غیر شوهرت آشکار مساز. حولاء! برای هیچ زنی حلال نیست مچ و پایش را برای غیر همسرش آشکار نماید و اگر چنین کرد پیوسته مشمول لعنت و خشم و غضب الهی است و فرشتگان الهی او را لعنت می‌کنند و خداوند برای وی عذابی دردناک فراهم نموده است. ۱۱

۵- بر اساس نقل کلینی، امیرالمومنین (ع) فرمود: یا اهل العراق نبئت ان نساءکم یدافعن الرجال فی الطریق أما تستحیون؟ ای مردم عراق! به من خبر رسیده زاناتان در راه

با مردان [شانه به شانه راه می‌روند] و با هم برخورد می‌کنند، شرم نمی‌کنید؟! ۱۲

نیز بر اساس نقل وی، علی (ع) فرمود: أما تستحیون ولا تغارون. نساوکم یخرجن الی الاسواق و یزاحمن العلوچ! آیا شرم نمی‌کنید و غیرت ندارید که زاناتان به بازارها می‌روند و

با مردان بی دین برخورد می‌کنند؟! ۱۳  
۶- از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: درست نیست زن مسلمان روسری و پیراهنی به تن کند که بدنش را نپوشاند. ۱۴

این روایات که تنها بخش اندکی از روایاتی است که در این زمینه وارد شده به خوبی نشان می‌دهد پیامبر (ص) و امام علی (ع) به عنوان حاکمان جامعه اسلامی، نسبت به مسأله حجاب اهتمام داشته و با بدحجابی برخورد نموده‌اند. ولی آن‌چه مهم‌تر به نظر می‌رسد آشنایی با دلایلی است که می‌توان از نگاه فقه بر حکومتی بودن مسأله حجاب ارائه داد. در این زمینه دست کم، چهار دلیل ذیل قابل طرح است:

دلیل نخست: می‌توان در یک نگاه فراگیر، مجموعه احکام اسلام را به دو دسته زیر تقسیم نمود:

الف) احکام فردی مانند احکام مربوط به نماز، روزه، خوراک، پوشاک، مسکن و... این احکام، صرفاً با فرد و عملکرد او در ارتباط است. هرچند ممکن است آثار و پیامدهای اجتماعی نیز داشته باشند. برای مثال، در جامعه‌ای که نماز برپا داشته می‌شود، فحشا و بزه‌کاری کمتری به چشم می‌خورد که آن الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر (عنکبوت/ ۴۵)

ب) احکام اجتماعی مانند وجوب دفاع، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، اجرای حدود و تعزیرات، ازدواج، طلاق، احکام مربوط به اداره جامعه و کشورداری و به طور کلی احکامی که در بستر جامعه و در تعامل افراد با یکدیگر، نمود پیدا می‌کنند و موضوعیت می‌یابند.

و این سنخ از احکام، خود به دو قسم تقسیم می‌شوند: احکامی که هرچند در عرصه جامعه و در بستر تعامل افراد با یکدیگر شکل می‌گیرند ولی بیش از آن که صبغه و ماهیت اجتماعی داشته باشند، صبغه و سمت و سوی شخصی دارند به این معنا که به ساختار جامعه و نظام جمعی آن به عنوان یک جامعه، ارتباط مستقیم پیدا نمی‌کنند. می‌توان احکام معاملات، ازدواج، طلاق و مانند آن را از این قسم دانست.

احکامی که ارتباط مستقیم با جامعه و نظام جمعی آن دارند و در صورتی که به گونه مطلوب به اجرا در آیند، شاهد آثار میمون آن مانند افزایش امنیت اجتماعی، تعالی علمی و فرهنگی، رشد اخلاقی، پیشرفت اقتصادی و... خواهیم بود. چنان‌که پیامد کوتاهی در اجرای آنها نیز کاهش امنیت اجتماعی، انحطاط فرهنگی و اخلاقی و... خواهد بود.

بی‌تردید احکام مربوط به دفاع، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، کشورداری و چگونگی تعامل دولت اسلامی با بیگانگان در این قسم جای می‌گیرد.

البته ممکن است برخی احکام از مصادیق هر دو قسم باشند. برای مثال امر به معروف و نهی از منکر، هم در حیطة و وظایف فردی قرار می‌گیرد و هم در ارتباط مستقیم با دولت و نظام اسلامی است. از این رو در اصل هشتم قانون اساسی آمده است:

«دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است

همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.»

با توجه به این توضیح و نیز با عنایت به دلایل بعدی، باید گفت بی‌تردید حکم حجاب از احکام اجتماعی و از موضوعاتی است که پیوند وثیق و ارتباط مستقیم با جامعه و نظام حاکم بر جامعه اسلامی دارد. و بر همین اساس و به منظور جلوگیری از هرج و مرج و برخوردهای سلیقه‌ای و تنش‌زا، لازم است تنظیم مقررات جهت اجرای این حکم و نظارت بر حسن انجام آن و چگونگی برخورد با متخلفان از آن، به دولت سپرده شود. هر چند این امر، نافی وظیفه افراد در امر به معروف و نهی از منکر زبانی نخواهد بود.

**ادامه در صفحه بعد**

**بدحجابی یا بی‌حجابی برخی افراد، به نوعی، تجاوز به حقوق دیگران است زیرا، هرگونه رفتار که حجب و عفاف جامعه را خدشه‌دار نماید، ضربه‌ای است که به آرامش، سلامت و امنیت اجتماعی فرود می‌آید.**

**اساساً یکی از دلایل‌های وجوب تشکیل حکومت اسلامی همین دلایل‌های وجوب امر به معروف و نهی از منکر است.**

## ادامه از صفحه قبل:

دلیل دوم: وظایف کلی دولت اسلامی بی‌تردید از وظایف دولت و حاکم اسلامی آن است که زمینه‌ساز سعادت دنیوی و اخروی مردم و فراهم آورنده بستر رشد و تعالی آنان باشد. و این مهم بدون دفع و رفع زمینه‌های فساد و مبارزه با عوامل تباهی و اشاعه خوبی‌ها و ترویج نیکی‌ها میسر نیست.

در توصیه‌های پیامبر (ص) به معاذ بن جبل آن‌گاه که وی را به یمن فرستاد آمده است «أمت امر الجاهلیه و أظهر امر الاسلام کله صغیره و کبیره» کار جاهلی را بمیران و امر مربوط به اسلام را چه کوچک و چه بزرگ آشکار نما. ۱۵ و در نامه امام علی (ع) به یکی از کارگزارانش به نام عثمان بن حنیف آمده است: «فأعلم ان افضل عبادالله عندالله امام عادل هدی و هدی، فاقام سنه معلومه و أمات بدعه مجهوله.»

بدان که بهترین بندگان خدا پیش او، پیشوای عادل است که هدایت شده باشد و هدایت نماید، سنت شناخته شده را برپای دارد و بدعت ناشناخته را بمیراند. ۱۶

و در روایتی معروف که آن را شیخ صدوق با سند خود از فضل بن شاذان نقل می‌کند. وی از امام رضا (ع) درباره فلسفه حکومت و ضرورت وجود حاکم می‌پرسد و حضرت می‌فرماید: چون مردم، در محدوده‌ای مشخص، محدود شده‌اند و فرمان یافته‌اند از آن چارچوب نگذرنند، زیرا موجب فساد و تباهی آنان می‌گردد، این امر، ثابت و شدنی نیست مگر این که شخصی امین بر آنان گمارده شود، شخصی که آنان را از تعدی و ورود در امور ممنوع، بازدارد زیرا در غیر این صورت هیچ کس لذت و سود خود را به خاطر تباهی دیگری رها نمی‌کند و به همین سبب خداوند، حاکمی بر مردم قرار داد تا آنان را از فساد بازدارد و حدود و احکام را در میانشان اقامه نماید. ۱۷

براساس مفاد روشن این حدیث، از وظایف حکومت اسلامی، جلوگیری از تعدی و تجاوز مردم به حقوق یکدیگر و ممانعت از ورود ایشان به کارهای حرام و مفسده‌انگیز است. و بدیهی است انجام این وظیفه، نیازمند تنظیم مقررات و صدور احکام حکومتی است، چنان که علامه طباطبایی در بیان ماهیت احکام حکومتی می‌نویسد:

احکام حکومتی تصمیماتی است که ولی امر، در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها، به حسب مصلحت وقت می‌گیرد و طبق آنها، مقرراتی وضع می‌نماید و به اجرا در می‌آورد. این مقررات لازم الاجرا و مانند شریعت دارای اعتبار است. ۱۸

دلیل سوم: ضرورت امر به معروف و نهی از منکر.

از قرآن و روایات استفاده می‌شود که از اهداف تشکیل حکومت اسلامی و از وظایف آن، امر به معروف و نهی از منکر است. خداوند در توصیف گروهی از مومنان می‌فرماید: الذین ان مکناهم فی الارض اقام الصلاه (حج/۴۱)

این آیه گرچه بی‌تردید شامل افراد می‌شود ولی با توجه به اینکه در آن از «تمکین فی الارض» سخن به میان آمده و این تعبیر، با تشکیل حکومت تناسب بیشتری دارد، شاید بتوان گفت مصداق اتم و قطعی آیه

همان حکومت و دولت اسلامی است، چنانکه همین معنا از برخی روایات نیز قابل برداشت است. مانند روایتی که بر طبق آن، مسعده بن صدقه از امام صادق (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر پرسید، که آیا بر همه امت واجب است؟ حضرت فرمود: خیر. گفته شد: چرا؟ فرمود: «أما هو علی القوی المطاع العالم بالمعروف من المنکر لا علی الضعیف الذی لا یهدی سبیلاً» این کار بر کسی واجب است که نیرومند باشد و از او اطاعت شود و نسبت به معروف آگاه باشد و آن را از منکر تشخیص دهد. نه بر کسی که ناتوان است و راه به جایی نمی‌برد. ۱۹

بی‌شک مصداق روشن «قوی مطاع» دولت اسلامی است.

اساساً یکی از دلیل‌های وجوب تشکیل حکومت اسلامی همین دلیل‌های وجوب امر به معروف و نهی از منکر است، با این بیان که حکومت اسلامی خود از مصادیق روشن «معروف» و حکومت طاغوت از مصادیق آشکار «منکر» است. بنابراین اطلاق و شمول این دلیل‌ها، ایجاب می‌کند برای نفی این و ایجاد آن، تلاش و مبارزه نمود.

و بدیهی است در صورت تحقق و تثبیت حکومت اسلامی، از وظایف مهم و کلیدی آن، تلاش جهت به بار نشاندن احکام و شعائر اسلامی و مبارزه بی‌امان با زمینه‌ها و مظاهر فساد و تباهی در قالب سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های متنوع از جمله امر به معروف و نهی از منکر در همه زمینه‌ها است، چنانکه فقیه برجسته، صاحب جواهر می‌نویسد: «انه مع بسط یده الواجب علیه جمیع افراد الامر بالمعروف.» در صورتی که حاکم اسلامی، بسط ید داشته باشد، امر به همه مصادیق معروف بر او واجب است. ۲۰

از این رو، بر طبق اصل سوم قانون اساسی، از وظایف دولت جمهوری اسلامی، عبارت است از: «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.» و به خصوص مسأله پوشش و

حجاب و کم و کیف آن باید مورد توجه باشد. زیرا گرچه این امر ممکن است در نگاه بدوی و فی نفسه، مسأله‌ای جزئی و غیر مهم به نظر آید، ولی گاه همین مسأله، صبغه فرهنگی و ملی به خود می‌گیرد و در عرصه تهاجم فرهنگی، مورد سوء استفاده دشمنان واقع می‌شود تا جایی که ممکن است مسلمانان، ناخواسته در زمین دشمن بازی کنند. چنانکه بر اساس نقل شیخ صدوق، امام صادق (ع) فرمود: خداوند عزوجل، به

یکی از پیامبرانش وحی فرمود: به مومنان بگو! پوشش دشمنان مرا نبوشند، از خوردنی‌های آنان نخورند و راه‌های ایشان را نیمایند که در این صورت، همانند آنان، دشمنان من خواهند شد. ۲۱

و ضرورت دخالت دولت در این عرصه، بیشتر بدان جهت است که اگر این مهم، صرفاً به آحاد جامعه واگذار شود و از نقش قانون‌گذاری و نظارت و حتی جایگاه اجرایی دولت غافل شویم، شاهد هرج و مرج و برخورد‌های سلیقه‌ای برخی از یک سو و افراط و تفریط برخی از سوی دیگر خواهیم بود.

دلیل چهارم: مسئولیت اجرای تعزیر.

چنان که می‌دانیم بر اساس فقه اسلامی، ارتکاب پاره‌ای از گناهان توسط افراد، موجب اجرای حدود الهی بر آنان توسط حکومت می‌شود. شمار و عناوین این گناهان روشن است ولی از نگاه فقها، حاکم اسلامی می‌تواند مرتکبان گناهانی که برای آنها، حد شرعی معین و تعریف نشده است را «تعزیر» نماید.

شیخ طوسی می‌نویسد: «کلّ من أتی معصیه لا یجب بها الحد فانه یعزر.» هرکس گناهی انجام دهد که موجب حد نمی‌شود، مستحق تعزیر خواهد بود. ۲۲

علامه حلی نیز می‌نویسد: «کل من فعل محرماً او ترک واجباً کان للامام تعزیره.» هرکس حرامی را انجام دهد یا واجبی را ترک کند، امام می‌تواند او را تعزیر نماید. ۲۳

مشابه همین سخن، در عبارت بسیاری دیگر از فقها از جمله فخرالمحققین، شهید ثانی، کاشف اللثام و صاحب جواهر نیز آمده است. ۲۴

و گاه فقها از همین مبنای کلی استفاده کرده و در امور جزئی فتوا داده‌اند. برای مثال محقق کرکی می‌نویسد: واجب است حاکم، مردی را که در ایام عادت با همسر خود نزدیکی کرده، به گونه‌ای که مصلحت می‌بیند تعزیر نماید. ۲۵

صاحب مدارک نیز همین‌گونه فتوا می‌دهد. ۲۶

و محقق اردبیلی در مبحث روزه می‌نویسد اگر کسی از روی عمد روزه نگیرد، بر حاکم واجب است، به نحوی که مصلحت می‌بیند او را تعزیر نماید. ۲۷

و مستند این مبنا نیز روایاتی است که در این زمینه وارد شده است. در یکی از این روایات می‌خوانیم پیامبر (ص) پس از ارتکاب گناه توسط یکی از مسلمانان و اجرای حد بر او فرمود: «من اصاب من هذه القادورات شیئاً فلیستتر عنا بسترالله فانه من یددی لنا صفحهته نقم علیه حدالله.» هرکس یکی از این کارهای آلوده را انجام دهد، آن را با کمک پوشش الهی، از ما بپوشاند زیرا کسی که در برابر ما رو بگشاید [و گناه خود را آشکار نماید] حد الهی متوجه او خواهد شد. ۲۸

و در روایتی دیگر می‌خوانیم: مردی در زمان امیرالمومنین (ع) مرتکب استمنا شد و چون خبر آن به حضرت رسید، دستور داد به دست او تازیانه بزنند به حدی که سرخ شد، سپس پرسید آیا این مرد متاهل است یا مجرد؟ و چون گفتند مجرد است، دستور داد برایش همسر بگیرند. ۲۹

و در روایتی عام می‌خوانیم: «ان الله جعل لكل شی حداً و جعل علیه دلیلاً یدل علیه و جعل علی کل من تعدی ذلک الحد حداً.» خداوند برای

هرچیزی، حد و اندازه‌ای و برای آن حد و اندازه، دلیلی قرار داد و بر هر کسی که از آن اندازه تعدی نماید، حد [کیفری] قرار داد. ۳۰

البته چنان‌که روشن است مقصود از «حد» در این روایت، هرگونه کیفر شرعی اعم از حد و تعزیر است.

### بر طبق اصل سوم قانون اساسی، از وظایف دولت جمهوری اسلامی، عبارت است از: «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.»

#### پی نوشت ها:

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۲۴
۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰۶
۳. همان
۴. واحدی نیشابوری، اسباب النزول، ص ۳۰۶
۵. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۹
۶. ر. ک. : مجله پیام زن، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵، ص ۱۸
۷. همان، ص ۲۳
۸. ر. ک. : بخاری، الصحیح، ج ۷، ص ۱۲۶، طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۸، ص ۲۸۲، بیهقی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۷۹، عسقلانی، فتح الباری، ج ۴، ص ۵۷
۹. طبرسی، جوامع الجامع، ج ۲، ص ۶۱۶، عروسی خویزی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۸۸
۱۰. ابوداود، السنن، ج ۲، ص ۴۶۲
۱۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۱
۱۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۳۶، و نیز ر. ک. : حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳، طبرسی، مشکاه الانوار، ص ۲۳۷
۱۳. کلینی، همان، ص ۵۲۷ و نیز حرعاملی، همان، طبرسی، همان.
۱۴. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۸
۱۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۷
۱۶. سید رضی، نهج البلاغه، ص ۲۳۴، خطبه ۱۶۴
۱۷. صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۵۱
۱۸. طباطبایی، ولایت و زعامت، ص ۸۵-۸۳
۱۹. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۶
۲۰. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۶۱
۲۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۲
۲۲. طوسی، المسبوط، ج ۸، ص ۶۹
۲۳. علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۴۸ و تحریر الاحکام ج ۲، ص ۲۳۷
۲۴. ر. ک. : ایضاح الفوائد، ج ۴، ص ۵۰۸، مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۴۵۷. کشف اللثام، ج ۲، ص ۴۱۵، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۴۸
۲۵. جامع المقاصد، ج ۱، ص ۳۲۰
۲۶. عاملی، مدارک الاحکام، ج ۱، ص ۳۵
۲۷. طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۴۹
۲۸. أحسانی، عوالی اللثالی، ج ۳، ص ۴۴۱
۲۹. مفید، ص ۷۹۱
۳۰. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۹، نیز ر. ک. : صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵، طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۳

گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمودی، عضو جامعه اساتید حوزه علمیه فارس:

## افق‌های بین‌المللی را مورد توجه قرار دهیم



زمان و مکان، می‌تواند یک فقه پویا باشد و پاسخگوی نیازهای متغیر انسان در همه‌ی ادوار تاریخ باشد. الان در همین جامعه پزشکی بسیاری از مسائل مستحدثه که شاید در بدو امر بسیار غامض و پیچیده به نظر می‌رسید، با همین فقه جواهری و رعایت مقتضیات زمان و مکان مراجع عظام ما پاسخگو هستند. مثل شبیه‌سازی و پیوند اعضا و اهدای اعضا و حتا بحث پیوند اعضای حیوانات نجس العین به انسان. این فقهی که یکی از ارکانش توجه به مقتضیات زمان و مکان است می‌تواند پاسخگوی مسایل مستحدثه باشد. در زمینه آموزش باید ما در ذیل همین فرمایش امام و روشن‌گری‌هایی که در تبیین این فرمایش کلی، مقام معظم رهبری به مناسبت‌های مختلف، در جلسات و دیدارهایی که با فضلالی حوزه علمیه و مراجع بیان کرده‌اند، ما دنبال کنیم. که اولاً وقتی طلبه در حوزه حضور پیدا می‌کند در ابتدا ما فضا را به گونه‌ای مدیریت کنیم که هم از نظر آموزش حوزه‌ی ما در جایگاه خوبی باشد و هم این که طلبه ما بتواند آن انگیزه‌های خودش را دائماً شعله‌ور نگه دارد که مبدا این انگیزه کاهش پیدا کند و ما در نتیجه شاهد افت آموزشی حوزه بشویم. این که ما مطالبی که به عنوان آموزش در اختیار طلبه قرار می‌دهیم، متونی که طلبه به عنوان متن درسی باید تحصیل کند، آن مطالبی باشد که اولویت و ضرورت دارد. این‌ها گزینش و انتخاب شود و همراه با مسائل جدیدتری که مجتهدین بزرگ و مراجع ما مورد نظرشان است آورده شود که یک کتابی که جامع مطالب است در اختیار طلبه قرار بگیرد که این ذهنیت ایجاد نشود که این‌ها کتاب‌هایی است که اطلاع‌اش ضرورت ندارد و باعث دلسردی طلبه بشود.

در کنار درس‌های ابتدای ادبیات و بعد، فقه و اصول باید توجه به قرآن در صدر اولویت باشد. حتماً مسئولان محترم باید در کنار ادبیات و فقه و اصول، تفسیر قرآن را در همه مقاطع قرار بدهند. همچنین شناخت عترت طاهریین پیامبر و در کنار بحث تفسیر قرآن و شناخت احادیث و درس‌های اخلاق شاهد باشیم. یکی از خلأهای مفرط جامعه حوزوی ما فقدان درس‌های قرآن و روایت و اخلاق است. درس‌های اخلاق می‌تواند بسیاری از کاستی‌ها را جبران کند. اگر طلبه احساس کرد در آموزشش کاستی‌ای هست، می‌تواند با حضور در محضر اساتید اخلاق، صبر و شکیبایی و تحمل کند و با تقویت خودش در عرصه‌های مختلف، این پیش فرض را در ذهنش ایجاد کند که ما وارث زحمات شبانه‌روزی سلف بسیار بزرگ خودمان در حوزه هستیم. و ما هم باید پا در جای پای سلف عظیم الشان خودمان بگذاریم و آن کاستی‌هایی که مشهود است را ما بر طرف کنیم. دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما بکاریم و دیگران بخورند. این اخلاق یکی از کارهایی که باید بکند دعوت به صبر و استقامت است، تعهد سازی است، بصیرت افزایی است. یکی از کارهای دیگر اخلاق، تحمل بعضی از چالش‌هایی است که سر راه بعضی از ما طلاب ایجاد می‌شود. وقتی که قرآن می‌فرماید: «و لقد من الله علی المومنین إذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یرسلهم الکتاب و الحکمه...» این استفاده از کتاب وحی برای یک طبقه دون طبقه‌ی دیگر نیست. خداوند تهنید نفس را به صورت مطلق به عنوان یکی از برکات بعثت در این آیه معرفی می‌کند. این طور نیست که یک انسان بتواند ادعا کند که مستغنی است از تهذیب نفس، حتی اولیای خدا. «و ما ابرئ نفسی ان النفس لاماره بالسوء الا ما رحم ربی» در بحث تهذیب نفس باید معاونت‌های این عرصه جانانه وارد شوند. البته ناگفته نماند یک سری عوامل بیرونی هم هست که اهتمام به آن عوامل بیرونی، نتیجه مستقیم دارد در تهذیب نفس. مقداری از دغدغه‌های منطقی طلاب باید توسط عوامل بیرونی با رایزنی‌ها و تعامل حسنه‌ای که مسئولان حوزه با عوامل بیرون حوزه دارند حل شود. مدیران جامعه، دست‌اندرکاران این کارها، می‌توانند بعضی از این عوامل را تسهیل کنند. تا یک مقدار دغدغه‌های فکری طلاب کمتر بشود.

ادامه در صفحه بعد

سایه حضرت معصومه (س) سعی می‌کردیم مطالب را خوب درس بگیریم و مباحثه‌ها را با افراد توانمند انجام بدهیم. اوایل مباحثه‌مان با یکی از دوستان بود در درس‌های اصول الفقه، لمعه، رسائل خدمت یکی از دوستان به نام آقای پیروزمند بودیم، کفایه، مکاسب و درس خارج را خدمت نوهی آیت الله العظمی آقامیرزا استهباناتی بودیم که الان بحمد الله از فضلالی موفق حوزه علمیه قم‌اند. در کنار تحصیل دروس فقه و اصول تصمیم گرفتیم که در رشته‌ی فلسفه و کلام اسلامی مطالعاتی بیش از آن چه در حوزه متعارف است انجام دهیم. و به همین منظور خدمت حضرت آیت الله العظمی سبحانی در موسسه‌ی تخصصی فلسفه و کلام اسلامی امام صادق (ع) مشرف شدم و در مقطع سطح چهار حوزه هم از پایان‌نامه دفاع کردم که خدا لطف فرمود پایان‌نامه بنده به عنوان پایان‌نامه‌ی برتر سال شناخته شد. چون سعیم بر این بود که موضوعی را که بتواند گرهی از تفکر و اندیشه‌هایی که ایجاد شده باز کند انتخاب کنم، یکی از موضوعاتی که تا به حال در سطح ایران کار نشده بود، یک مکتب نوظهوری در آمریکا، را مورد بررسی و تحقیق کلامی قرار دادم. که بحمد الله مورد استقبال اساتید راه‌نما، جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر خسروپناه و مشاور، آیت الله دکتر احمد عابدی قرار گرفت. بعد از حدود ۲۴ سال که در قم بودیم تصمیم گرفتیم به وطن خودم شیراز مراجعه کنیم تا بتوانم خدمتی کنم. که در حال حاضر بخشی از وقت را در حوزه علمیه به تدریس سطوح عالی مشغولم و بخش بیشتر وقت به عنوان هیات علمی دانشگاه انجام وظیفه می‌کنم.

**اندیشه جامعه:** با توجه به اشاره‌ای که به پایان‌نامه داشتید، لطف کنید مختصری از تالیفاتتان اعم از کتاب و مقاله بیان کنید.

**دکتر محمودی:** من به لطف خدا بعد از تاملاتی که داشتم به این نتیجه رسیدم که لازم است ما این معلومات بسیار بسیار محدود خودمان را تا جایی که ممکن است هزینه کنیم در تحقیقات کاربردی و یکی از تحقیقات کاربردی، رشته‌های بین رشته‌ای است. به همین خاطر وقتی پایان‌نامه من تمام شد که به نظر می‌رسید بتواند گرهی باز کند از اندیشه‌های خواننده‌ها، اصرار بیش‌تری کردم که در فضای بین رشته‌ای علوم اسلامی و پزشکی حضور پیدا کنم. به همین منظور با همکاران بسیار محترم و گران‌مایه‌ای که در دانشگاه علوم پزشکی با ایشان آشنا شدم تحقیقات قابل توجهی را در قالب مقالات علمی-پژوهشی در ژورنال‌های ISI و Scopus و علمی پژوهشی داخلی به چاپ رساندیم. پایان‌نامه هم با توجه به کاربردی بودن، هم به انگلیسی ترجمه شد و هم به زبان فارسی بناست چاپ شود.

**اندیشه جامعه:** عنوان مقاله را می‌فرمایید؟

**دکتر محمودی:** نقد و بررسی کلامی مکتب اکتکار.

**اندیشه جامعه:** با توجه به این که حضرت عالی در عین مشغله‌ای که در دانشگاه علوم پزشکی دارید، ارتباط مستمرتان را با حوزه نیز قطع نکرده‌اید، بفرمایید به نظر شما وضعیت بالفعل حوزه چگونه است؟

**دکتر محمودی:** من سوال جناب عالی را تفریح فروغ می‌کنم به دسته‌های مختلف. حوزه‌ی علمیه متشکل است از بخش‌های مختلفی. یک بخشش آموزش است، یک بخشش بحث تهذیب نفوس است یا به اصطلاح خودمان طلبه‌پروری. بخشی نیز امور تدارکات حوزه است. باید هر کدام از این بخش‌ها را در جای‌گاه خود مورد بررسی قرار بدهیم. اما بخش آموزش حوزه: حضرت امام (ره) بحث حوزه را که به مناسبت‌های مختلف که بیان می‌فرمودند، جان فرمایشات ایشان را اگر خلاصه کنیم در این جمله خلاصه می‌شود که درباره فقه جواهری فرمودند که «مبین سنن استوار و قیمی که ریشه در کتاب الله و عترت پیامبر اکرم دارد» است. این پایه و اساس حوزه است، در عین حالی که حضرت امام بحث پویایی فقه را در درک زمان و مکان جزء لاینفک حوزه بیان فرمودند که فقه با همان استواری با همان اتقان خود، با حفظ مقتضیات

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمودی از اعضای شورای عالی جامعه اساتید حوزه علمیه فارس و هم‌چنین از اعضای موسس این جامعه‌اند. برای گفت‌وگو به دفتر رئیس گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی شیراز رفتیم. ایشان نیز متواضعانه درخواست ما را برای مصاحبه پذیرفتند. متن گفت‌وگو با ایشان که در دو جلسه انجام شده به این ترتیب منتشر می‌شود:

**اندیشه جامعه:** بسم الله الرحمن الرحیم اولاً تشکر می‌کنم از وقتی که گذاشتید و اجازه دادید مصدع شویم. برای شروع، محبت کنید خود را معرفی بفرمایید و از سابقه‌ی حوزوی خود بگویید؛ این که در چه سالی شروع به تحصیل کرده‌اید و در چه مقاطعی و کجا و در محضر کدام اساتید بوده‌اید.

**دکتر محمودی:** بسم الله الرحمن الرحیم و به نستین انه خیر ناصر و معین. در ابتدا سالگرد شهادت امام جواد (ع) را خدمت جناب عالی تسلیم عرض می‌کنم. از این که بذل لطف کردید و تشریف آوردید سپاسگزارم. امیدوارم که بتوانم در این مصاحبه خدمت مفیدی انجام بدهم. بنده عبدالرضا محمودی هستم. سال ۶۱ که دیلم را در رشته ریاضی فیزیک گرفتم، شروع به خواندن رشته برق کردم. و بعد، خدمت ساحت مقدس حوزه علمیه قم مشرف شدم. چون شروع تحصیلات من از شرفیابی به شهر مقدس قم و ساحت مقدس بانوی دو عالم حضرت معصومه (س) بود. از باب این که مایل بودم درس‌ها را بیش‌تر از آن چه که متعارف و مرسوم است در مدارس حوزه علمیه، درس بگیرم، خدمت حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی رسیدم و خواهش کردم که اساتیدی را معرفی کنند که من بتوانم از محضرشان بهره‌مند بشوم. و به صورت اختصاصی درس‌ها را بخوانم. ایشان خیلی بذل لطف فرمودند، در مدرسه امیرالمومنین اساتیدی را انتخاب کردند و من کتاب جامع المقدمات و سیوطی را با حضور آن اساتید خواندم و هم‌چنین کتاب‌های منطق و بخشی از اصول فقه را. من این دو سال را در طول حدود کم‌تر از یک سال ولی به صورت بسیار فشرده خواندم. به گونه‌ای که من یکی از درس‌هایم را یک ساعت قبل از اذان صبح در حرم حضرت معصومه (س) خدمت اساتید مشرف می‌شدم و می‌گرفتم. و بعد از این کلاس، اذان صبح بود و نماز صبح را هم خدمت حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی شرفیاب بودیم و باز نماز صبح که تمام می‌شد، درس و مباحثه شروع می‌شد و ادامه داشت تا بعد از نماز مغرب و عشا. بحمد الله به همین صورت این مدت سپری شد و بعد من وارد مدرسه علمیه مبارکه رضویه شدم. مدرسه‌ی بسیار غنی‌ای بود. اساتید بسیار توانمندی آن‌جا حضور داشتند. ادبیات را خدمت آیت الله طالقانی بودم. هم‌چنین از آقای موسوی گرگانی بهره‌مند شدم. معلم را جناب آقای خسروپناه می‌فرمودند.

مختصر را جناب آقای عرفان تدریس می‌فرمودند. درس‌های اخلاق خوبی آن‌جا برگزار می‌شد. و بسیار در شکل‌دهی شخصیت مذهب طلاب موثر بود آن درس‌های اخلاق. خود جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا کاظمی که مدیریت را بر عهده داشتند دغدغه‌ی زیادی داشتند. حضور مستمری در مدرسه داشتند. و این دروس را تا اتمام معین که تحت پوشش مدرسه بودیم سپری کردیم و رسائل و مکاسب را به صورت آزاد درس می‌گرفتیم. اساتید را خودمان انتخاب می‌کردیم و امتحان‌های کتبی و شفاهی را هم خدمت اساتید می‌دادیم. اولین شرفیابی من به درس خارج خدمت حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رض) بود. درس اصول را شروع کردم. با مشورت بعضی اساتید درس فقه را خدمت حضرت آیت الله العظیمی شیخ جواد تبریزی شرفیاب شدم. بعد از ارتحال حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی درس اصول را خدمت آیت الله العظمی وحید حضور پیدا کردم. و ساعت ۱۱ تا ۱۲ هم درس تفسیر خدمت آیت الله العظمی جوادی آملی شرفیاب می‌شدم. این روال چندین سال متممادی ادامه داشت و ما از صبح که می‌آمدیم، فقط یک فرصت محدود را صرف ناهار می‌کردیم. مابقی بخشی صرف نماز بود و بقیه را یا درس می‌گرفتیم یا مباحثه می‌کردیم. بحمد الله خدا لطف فرمود زیر

## ادامه از صفحه قبل:

مسأله‌ی معیشتی طلاب مشکلی جدی است. من یادم است یکی از گام‌های بدون مبالغه بزرگ که مقام معظم رهبری در همین عرصه برداشتند و بسیار هم موثر بود، همین تحت پوشش بیمه قرار دادن طلاب بود. طلبه‌ای که بیماری پیدا می‌کند یک زمان ناگزیر بود قرض کند تا مراجعه کند به مراکز درمانی. الان تسهیلات خوبی فراهم شده که امیدواریم این تسهیلات منطقی بیش‌تر شود تا بتوانیم شاهد آرامش بیشتری در طلاب باشیم، تا یک مقدار اهتمامشان به تهذیب و آموزش بیشتر شود.

**اندیشه جامعه:** به نظر شما وضعیت علمی حوزه‌ی امروز اعم از وضعیت علمی طلاب و اساتید، وضعیت مطلوبی است یا نزدیک به مطلوب است یا فاصله‌ی زیادی با مطلوب داریم؟

**دکتر محمودی:** وضعیت فعلی حوزه نسبت به زمان‌های بسیار دور تفاوت‌های بسیاری کرده. یادم است یک بار حضرت آیت الله سبحانی می‌فرمودند در همین فیضیه با حضرت آیت الله العظمی مکارم داشتیم مباحثه می‌کردیم. یک دفعه حضرت آیت الله العظمی مکارم، عقرب‌ی که از قبای من بالا می‌رفت را با دستشان زدند! واقعا با شداید و مشکلات عدیده‌ی بزرگان ما رو به رو بودند. به برکت انقلاب اسلامی و توجه بیشتر به حوزه‌ها بحمد الله حوزه‌ها گام‌های موثری برداشته‌اند. تخصصی شدن دروس گام بسیار موثری است. تعدد مراکز تخصصی گام بسیار موثری است که بحمد الله ما نمودهایش را در خود استان فارس و حوزه‌های شیراز داریم می‌بینیم. بحمد الله مراکز تخصصی بسیاری تاسیس شده. ولی وضعیت موجود با آن اهداف عالی فاصله زیادی دارد. این مطلبی نیست که بنده‌ی حقیر عرض کرده باشم. اساطین حوزه و مراجع به این مسأله اذعان دارند که علی‌رغم گام‌های موثر و حرکت‌های بسیار بسیار رو به جلو که انجام شده، ولی با اهداف عالی حوزه و رسالت‌های تمدن‌سازی حوزه فاصله زیادی داریم. انقلاب اسلامی را که معمار انقلاب حضرت امام (رض) رهبری فرمودند، محصور به مرزهای درونی کشور عزیزمان ایران نیست. این مبانی و پایه‌ها به گونه‌ای گذاشته شده‌اند که بتواند بنای تمدن جهانی را تحمل کند. به همین خاطر ما باید افاق‌های بین المللی را در سیاست‌گذاری حوزه مورد توجه قرار بدهیم. با توجه به این افاق که بنده ترسیم کردم، فاصله زیاد است. چه در داخل چه در خارج از کشور عزیزمان، نیاز به پرورش و تربیت طلاب در عرصه‌های بسیار متعدد و متنوع داریم.

**اندیشه جامعه:** یکی از دغدغه‌های جدی حضرت امام که مورد تاکید مقام معظم رهبری هم بوده، مسأله‌ی وحدت حوزه و دانشگاه است. حضرت‌عالی به عنوان یکی از فرزندان حوزه که از طرفی در تعامل مستقیم با وضعیت فعلی دانشگاه‌ها، بفرمایید که می‌شود تعریف واضحی از وحدت حوزه و دانشگاه کنیم؟ و این که نسبت به این تعریف چه قدر وحدت محقق شده؟

**دکتر محمودی:** سوال جناب‌عالی یک سوال بسیار مبانی است که هم مورد نظر و دغدغه‌ی حضرت امام بوده هم مقام معظم رهبری. یادم است در همین سه-چهار دیدار قبلی مقام معظم رهبری، ایشان در جمع حضار به این مسأله اشاره کردند که علی‌رغم این که اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند و در مناسبت‌های مختلف این مسأله را یادآور شده‌اند، ولی آن تلاشی که باید از سوی مدیران این دو جامعه انجام می‌شد را شاهد نیستیم. بحث وحدت حوزه و دانشگاه به این نیست که تنها در قالب همایش‌ها و مقالات و کتاب‌ها فعالیت کنیم و این دغدغه‌ی عمیق حضرت امام را در این ایستگاه‌های اولیه متوقف کنیم. وحدت حوزه و دانشگاه این است که دانشگاه ما مبانی تولید علمش مبانی توجه به مبدا و منتهای متعالی و ذات بارپروردگار باشد. حضرت امام می‌فرمودند دانشگاه مبدا تحول در جامعه است. وقتی که این نکته بسیار عمیق و حساس را امام بیان می‌کنند می‌بینیم که چگونه دانشگاه می‌تواند مبدا تحول و تکامل و تعالی جامعه باشد. آیا بدون حفظ آن مبانی و تعالیم دین ما و شریعت اسلامی، دانشگاه می‌تواند مبدا تحول باشد؟ یا این که نه، اگر خدای نکرده روال همان روال قبل باشد که منابع ما، که پایه‌ی تولید علم ما هستند، همان منابع ترجمه شده‌ی منابع غربی باشند، با آن پیش‌فرض‌های فکری غربی. ماحصل متون ترجمه‌ای چه می‌شود؟ همان می‌شود که نارضایتی مقام معظم رهبری به وجود می‌آید. در هر صورت باید در این زمینه گام‌های عملی برداشته شود. مبانی علمی ما باید مبانی تولیدی

باشد. این طور نباشد که به قول حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی، علمی که الان در دانشگاه هست علم تقطیع شده از مبدا و معاد است. علمی است که وسط علم است و بریده شده از خاستگاه‌ها و از مقصد. به همین خاطر باید در دانشگاه سعی کنیم از ظرفیت نرم افزاری حوزه استفاده کنیم. اما حوزه هم باید از ظرفیت سخت افزاری دانشگاه بهره مند شود. دانشگاه بسیار فضای مساعدی است برای تبیین تعالیم و آموزه‌های دینی. یکی از ابزارهای معرفی شریعت ابزار علم است. این است که مقام معظم رهبری تاکید دارند نسبت به این روایت که از معصوم (ع) وارد شده که «العلم سلطان»، علم موجب سلطنت و بزرگی می‌شود. واقعا فرصت بسیار خوبی است در اختیار حوزه‌ها که از این ابزار برای تبیین شریعت ناب محمدی (ص) و معارف اهل بیت استفاده کنند. در هر صورت ما در ابتدای کاریم. من در جایی عرض کردم متأسفانه ما در تعریف وحدت حوزه و دانشگاه هم ابهاماتی داریم. امیدواریم که با تشکیل اتاق‌های فکر، که یکی از گام‌ها و اهدافی که مورد توجه جامعه اساتید حوزه علمیه استان فارس است همین است، بتوانیم از این ظرفیت استفاده کنیم. جلساتی را به طور مشترک با اساتید دانشگاه داشته‌ایم. امیدواریم این جلسات ادامه داشته باشد تا بتوانیم ثمرات آن را شاهد باشیم.

**اندیشه جامعه:** جامعه اساتید حوزه علمیه فارس بنا دارد کدام یک از ضعف‌های حوزه علمیه را پوشش بدهد و قرار است چه نقشی در حوزه ایفا کند؟

**دکتر محمودی:** رسالت جامعه اساتید در اساسنامه به صورت مبسوط آمده. ولی اگر من بخواهم به صورت چکیده عرض کنم، اولین رسالت جامعه، تقویت حوزه‌های علمیه است، در عرصه‌های مختلف. به همین منظور، یکی از شخصیت‌های حقوقی جامعه اساتید، شخص مدیر حوزه علمیه استان است. به همین منظور ما تلاش‌هایی که می‌کنیم حول محور تقویت حوزه است. در بخش آموزش بحمد الله صحبت‌ها و فعالیت‌هایی شده برای این که بخش آموزش حوزه بتواند فعال‌تر عمل کند. ما مجمع اساتید را هم راه‌اندازی کردیم. مجمع اساتید حوزه علمیه عبارتند از اساتیدی که اشتغال به تدریس سطوح یک و دو حوزه را دارند. جلسه‌ای را هم خدمت این اساتید که از نقاط مختلف استان تشریف آورده بودند برگزار کردیم. امیدواریم که به لطف خداوند بتوانیم این فعالیت‌ها را ادامه بدهیم. در بخش تهذیب و اخلاق هم جلساتی داشته‌ایم. و همچنین در بخش تدارکات، جلساتی را خدمت مسوولان ذی‌ربط بوده‌ایم. در همین راستا برای تسهیل روند موفقیت طلاب محترم جلساتی را با مدیران استانی برگزار کرده‌ایم تا بتوانیم از ظرفیت استان برای بهبود و ارتقا و تعالی حوزه استفاده کنیم، از جمله بخش لوجستیک و تدارکات حوزه. ضمن این که عرض کردیم رسالت اصلی‌مان تقویت و تعالی حوزه است، ولی این طور نیست که فعالیت‌های جامعه اساتید ناظر به فضای موجود جامعه نباشد. در جلساتی که خدمت عزیزانمان، حضرات آیات عظام اساتید بزرگ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بودیم، ضمن استقبالی که هم از تشکیل و هم استمرار فعالیت‌های جامعه اساتید استان داشتند، به اقتباس از تاکید مقام معظم رهبری نسبت به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، این آقایان این توصیه ایشان را به جامعه اساتید کردند که ما نسبت به رویدادها و حوادث اجتماعی رای «لا» و «نعم» داشته باشیم. در بخش قبل عرض کردم دو رکن اساسی در جامعه داریم: یک حوزه علمیه، دو دانشگاه. اگر جامعه‌ای بخواهد آن صعود خود را و تصاحب قله‌های مرتفع موفقیت خودش را و در نتیجه سلطنت خود را داشته باشد آن جامعه در عرصه‌ی بین الملل ناگزیر باید مراکز علمی را تقویت کند. در جامعه ما هم که بخشی از رسالت به دوش دانشگاه است و بخشی از رسالت علمی جامعه به دوش حوزه علمیه است. پس بایستی حوزه‌های علمیه در عرصه‌های اجتماعی هم نظر مثبت یا منفی خودش را ابراز کند. به همین منظور ما در جلسات شورای عمومی سعی می‌کنیم هر از چندی خدمت مدیران ارشد استان باشیم تا ضمن این که با اعضا و رسالت جامعه اساتید آشنا بشوند، تبادل نظر و هم‌افزایی کنیم تا بتوانیم از این ظرفیت‌ها به نفع رشد و بالندگی جامعه استفاده کنیم.

**اندیشه جامعه:** از نظر شما شاخص برای یک طلبه و یک استاد حوزوی موفق چیست؟

**دکتر محمودی:** آن چیزی که در حوزه به عنوان ارکان رسالت حوزه محسوب می‌شود، یک آموزش است و دو تهذیب نفس. حضرت امام (ره) یک جمله‌ی بلندی داشتند که

می‌فرمودند: علم قرآن هم اگر بدون تهذیب نفس باشد به درد نمی‌خورد. پس ما همچنان که رسالت آموزشی حوزه را با کمال باید دنبال کنیم چه از جهت متون درسی و چه از نظر روش درسی و چه از نظر فضا سازی آموزش، باید سعی کنیم آن نظرهای خودمان و اندیشه‌های آموزشی خودمان را به استانداردها نزدیک کنیم، در کنارش باید رسالت تهذیب نفس را هم همچنان که قبلا هم اشاره کردم در حوزه انجام بدهیم. من تاکید می‌کنم چون فرایند تحصیل در حوزه یک فرایند طولانی است به همین نسبت باید ره‌توشه‌های این مسیر طولانی هم مهیا بشود. و یکی از توشه‌های اساسی تهذیب نفس است. تهذیب نفس است که ما را نسبت به هم خودسازی‌مان کمک می‌کند و هم این که ما را در مواجهه با موانع پایبند می‌کند و استقامت می‌بخشد. همچنان که سلف عزیز ما این دو بال را داشته‌اند که توانسته‌اند قله‌های رفیعی را تصاحب کنند. و جایگاهشان در تاریخ ابدی است و در قلوب دایمی است و در اعماق قلوب مردم جای دارند. چرا که در روزگار خودشان شخصیت‌های بزرگ علمی بوده‌اند و استوانه‌های تهذیب و تقوای خودشان بودند. اگر سخن از تقوا می‌گفتند خودشان مجسمه‌ی تقوا بودند، عامل تقوا بودند. اگر سخن از صبر و استقامت می‌کردند، سخن از پایمردی در برابر رسیدن به آرمان‌ها و ارزش‌ها می‌کردند، خودشان طلیعه‌داران این حرکت بودند. رمز ماندگاری حوزه و اساطین حوزه در تاریخ و در قلوب مردم همین است. نه تنها سرآمد علمی زمان خودشان بودند بلکه بال دیگری به اسم تهذیب نفس داشتند. از ذخارف دنیا اجتناب داشتند. تعلق خاطری به این وزنه‌های سنگین و رکودآور دنیا نداشتند. به همین خاطر است که حضرت امام چه در تاکید بر جدیت در تحصیل، چه در تهذیب، عدم تعلق به این مظاهر و زیورهای دنیا اصرار می‌کردند. ما الان گرفتار هجمه‌های فوق العاده از ناحیه بیگانه‌ها هستیم. و این می‌طلبد که ما در این عصر با تجهیز بیشتر و با تلاش و مساعی بیشتر وارد این عرصه بشویم. عصر ما عصر رسانه‌هاست. عصری است که ما امکانات خوبی را می‌توانیم به نفع خودمان به کار بگیریم. همچنان که دشمن به نفع مقاصد شوم خودش شدیداً به کار می‌گیرد. پس یک طلبه باید نسبت به این ابزار و به طور خلاصه نسبت به مقتضیات زمان خودش آگاه باشد، بصیر باشد. امیدوارم جامعه اساتید با این ظرفیت خوبی که در اختیار دارد و بیش از این، الطاف خداوند و عنایت صاحب حوزه حضرت بقیه‌الله الاعظم، بتواند رسالت خطیر خودش را در این مقطع حساس به نحو مطلوب ایفا کند.

**اندیشه جامعه:** اگر مطلبی مد نظرتان هست که بین سوال‌ها مطرح نشد به عنوان حسن ختام بیان بفرمایید.

**دکتر محمودی:** قطعاً تشکیل جامعه اساتید و حرکت رو به جلوی که به لطف خداوند شروع شده، مساعدت و همکاری و تشریک مساعی مدیران ارشد حوزه‌های علمیه کشور را می‌طلبد. مخصوصاً حوزه علمیه قم. ما تاکید و توصیه موکدی را که به حضرات آیات عظام در جامعه مدرسین و مدیریت حوزه علمیه قم می‌کنیم این است که هر چه بتوان از ظرفیت و پتانسیل مراکز استان‌ها استفاده کنند هم بار مسئولیت خودشان کمتر می‌شود و هم ظرفیت‌های بسیار متراکم در مراکز استان‌ها شکوفا می‌شود. و این نکته‌ی بسیار مهمی است که باید بیشتر مورد توجه عزیزان ما قرار بگیرد. مراکز استان‌ها را بازوهای توانمند خودشان تلقی کنند و کارها را محول کنند به این بازوها. مقتضیات مراکز استان ممکن است مقتضیات متنوعی و متعددی باشد. با سیاست تمرکززدایی، می‌تواند آن مقتضیات را هم آن مرکز استان ببیند. و به تناسب آن ظرفیت‌هایی که دارد، مقتضیات را گره‌گشایی و حل کند. امیدواریم که مسئولین در راستای منویات مقام معظم رهبری که به روز رسانی حوزه‌های علمیه است گام‌های بلندتری را بردارند و ما بتوانیم در آینده نزدیک آن شاء الله شاهد صعود بیشتر حوزه و خدمت‌رسانی بیشتر حوزه‌های علمیه مراکز استان‌ها باشیم و شاهد شکوفایی ظرفیت مراکز استان‌ها باشیم.

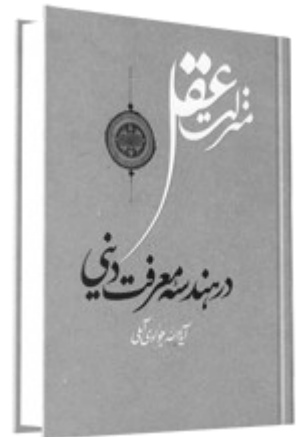
**اندیشه جامعه:** تشکر می‌کنم از وقتی که گذاشتید و مطالبی که فرمودید. ان شاء الله مورد استفاده ما و خواننده‌های این مصاحبه هم خواهد بود.

**دکتر محمودی:** پنده هم سپاسگزارم از بذل لطف جناب‌عالی. مخصوصاً لطف فرمودید و تشریف آوردید. امیدوارم خداوند بهترین وعده‌هایی که به بهترین بنده‌هایش داده را در مورد شما محقق کند. و السلام علیکم و رحمت الله.

معرفی کتاب؛

# منزلت عقل در هندسه معرفت دینی

نوشته: آیت الله جوادی آملی



این کتاب علی‌رغم عنوان پیچیده و ثقیلی که دارد به تبیین ارتباط علم و دین و به خصوص ارتباط علوم دانشگاهی و مفاهیم دینی می‌پردازد و پاسخی مناسب به این سوال می‌دهد که آیا اصولاً علم غیر اسلامی داریم یا نه؟ در ادامه، استاد جوادی (دام ظلّه) با توجه به مسائل فوق، به مسأله مهم و ارزشمند «اسلامی شدن دانشگاه‌ها» پرداخته و راه‌کارهایی برای این موضوع ارائه داده‌اند. کتاب «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» دارای ۲ بخش است که بخش اول با عنوان منزلت عقل دارای ۴ فصل است. فصل اول با عنوان تحلیل مفاهیم پایه مسائلی چون مراد از دین، مراد از عقل و وحی و نقل می‌پردازد. فصل دوم با عنوان شأن عقل در قلمرو دین، موضوعاتی چون عقل و بعد هستی‌شناختی دین، عقول کامله و بعد هستی‌شناختی دین، عقل و بعد معرفت‌شناختی دین، محدودیت‌های ادراکی عقل در حوزه دین را بررسی می‌کند. فصل سوم با عنوان نسبت عقل و نقل در قرآن و فصل

چهارم با عنوان تعارض عقل و نقل اختصاص دارد. بخش دوم این کتاب شامل آثار و نتایج هماهنگی و هم‌تایی عقل و نقل است که دارای ۴ فصل است. فصل اول با عنوان تعارض علم و دین، موضوعاتی چون فرضیه نه علم است و نه علمی، معنای حجیت علم، محدودیت قلمرو تجربه، تمایز تعارض با دین از محاربه با آن و نفی توازی علم و دین بررسی می‌کند. فصل دوم این کتاب با عنوان اسلامی کردن علوم و دانشگاه‌ها به راه حل اسلامی کردن دانشگاه می‌پردازد. فصل سوم با عنوان تأثیر همگانی عقل و نقل در قلمرو علوم اسلامی به مسائلی چون تصحیح تبویب علم اصول، نسبت کلام و فلسفه با دین، قلمرو دین و مسأله خاتمیت می‌پردازد. فصل چهارم از این بخش مسأله تفکیک را بررسی می‌کند که از مدعیات مکتب تفکیک، وحی ناب و خلوص فهم، اختلاف فهم در علوم نقلی، همگامی عقل و نقل، تفسیر، تطبیق و تأویل تشکیل می‌شود. در پایان این کتاب به فهرست آیات، روایات، اشعار، اعلام، کتب و منابع اشاره شده است.

گزیده کتاب:

علم تجربی موجود، معیوب است، زیرا در سیری افقی به راه خود

ادامه می‌دهد، نه برای علم و طبیعت مبدأی می‌بیند و نه غایت و فرجامی برای آن در نظر می‌گیرد و نه دانشی که خود دارد عطای خدا و موهبت الهی می‌یابد. این نگاهی که واقعیت هستی را مثله می‌کند و طبیعت را به عنوان خلقت نمی‌بیند و برای آن خالق و هدفی در نظر نمی‌گیرد بلکه صرفاً به مطالعه لاشه طبیعت می‌پردازد و علم را زاینده‌ی فکر خود می‌پندارد نه بخشش خدا، در حقیقت علمی مردار تحویل می‌دهد، زیرا به موضوع مطالعه خویش به چشم یک مردار و لاشه می‌نگرد، چون بال مبدأ فاعلی و نیز بال مبدأ غایی از آن کنده شده است. احیای این مردار و بر طرف کردن نقص این دانش معیوب که از این احیا به اسلامی کردن علوم و دانشگاه‌ها تعبیر می‌شود به آن نیست که مظاهر و برنامه‌های اسلامی و دینی را در محیط و فضای دانشگاه‌ها و مراکز علمی وارد نماییم، مثلاً در محیط‌های علمی و دانشگاهی نمازخانه و مسجد بسازیم و یا کتاب‌های درسی دانشگاه‌ها را با بسم الله و آرم جمهوری اسلامی چاپ نماییم... اسلامی کردن علوم در گرو تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و تدوین متون درسی سرآمد و بازگشت طبیعیات به دامن الهیات است... منبع: پاتوق کتاب فردا

## نگران زبان فارسی‌ام!

تقلید از زبان بیگانه، بلای بزرگ زبان فارسی است.

رهبر انقلاب: یک روز در جلسه‌ای در صدا و سیما که شاید بعضی از آقایان هم بودند، من صحبتی کردم و گفتم که این قدر نگویید «داریم»؛ این «تصویر فلانی را داریم»، «صدای فلانی را داریم»، «این مذاکره را با هم داریم». این یک گزته‌برداری غلط از زبان بیگانه است؛ در فارسی چنین چیزی نیست. مثلاً به جای این که بگوید من با شما گفت و گویی بکنم، می‌گوید من با شما گفت و گویی داشته باشم؛ مرتب این فعل «داشتن» را به صورت کمکی‌های غیر وارد و غیر صحیح و غیر اصیل در زبان فارسی استفاده می‌کنند؛ هر چه هم بگوییم، فایده‌ای ندارد!

این همان بلیه‌ی بزرگ زبان فارسی در حال حاضر است. واقعاً ضابطه‌ای لازم است؛ جایی لازم است که این مشکلات زبان فارسی را تمام کند و نگذارد که به اسم زبان، از مسیره‌ها و جریان‌های غلط، گنداب‌هایی وارد دریاچه‌ی زبان فارسی شود و این زبان را آلوده کند. واقعاً پالایش صحیحی وجود داشته باشد.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار

حضرت آیت الله خامنه‌ای

- صحیح: مایه‌ی سعادت مرد/یکی از نشانه‌های سعادت مرد.
- \* نویسنده درباره‌ی مسائل فوق، بر روایات بسیار دست یافته است.
- گزته‌برداری از: حصل علی الروایات.
- صحیح: به روایات بسیار دست یافته است.
- \* امام از سوال او چنین جواب داد...
- گزته‌برداری از: اجاب عنه.
- صحیح: به سوال او جواب داد.
- \* در پاسخ، می‌گوییم به این که...
- گزته‌برداری از: نقول بأن...
- صحیح: می‌گوییم که...

منبع: بر بال قلم/سیدابوالقاسم حسینی(زرفا)

## آفتی به نام گزته‌برداری

به دنبال رواج چنین ترجمه‌هایی، پدیده‌ی گزته‌برداری روز به روز بیش‌تر جلوه کرد، زیرا کم‌زحمت بود و بعضی از مترجمان راحت‌طلب را زودتر به مقصود می‌رساند. خوشبختانه، چندی است که مرزبانان زبان و فرهنگ فارسی این خطر را پیایی تذکر می‌دهند و نویسندگان جوان را از آن بر حذر می‌دارند...

چند نمونه‌ی گزته‌برداری از زبان عربی

یکی از موارد رایج گزته‌برداری از عربی، آوردن «او» یا «ما» (= استیناف) در ابتدای جمله است. وجود او یا ما در آغاز جمله‌های عربی با قالب و طبیعت زبان عرب هماهنگ است، اما در زبان فارسی هیچ ضرورتی ندارد. در زیر، از چند نمونه‌ی دیگر گزته‌برداری از زبان عربی یاد می‌شود:

\* آن گاه حکومت زمین از آن صالحان و مستضعفان از بندگان مومن خدا خواهد شد.

گزته‌برداری از: المستضعفین من عبدالله المومنین (من بیانیه) صحیح: بندگان مومن و مستضعف خدا.

\* این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده است. گزته‌برداری از: خَلَقَ النَّاسَ عَلَیْهَا.

صحیح: انسان‌ها را طبق آن آفریده است.

\* اظهار نظر در مسائل اسلامی تنها از خواص دانشوران و پژوهشگران دینی ساخته است.

گزته‌برداری از: خواص العلماء.

صحیح: دانشوران خاص.

\* خداوند، فقیمان شایسته را از سوی امامان معصوم منصوب به نصب عام کرده است.

گزته‌برداری از: نصبهم بالنصب العام.

صحیح: به نحو عام منصوب کرده است.

\* ... و آن نیز به منزله‌ی رد بر خدا است.

گزته‌برداری از: الرد علی الله.

صحیح: رد خدا/انکار خدا.

\* از سعادت مرد، داشتن فرزند شایسته است.

گزته‌برداری از: من سعاده المرء.

واژه باید از زبان خودی بجوشد و با اصول آن ناسازگار نباشد، آن که نتیجه‌ی تقلیدی نادرست از زبان‌های دیگر باشد.

یکی از آفات زبان امروز، همین تقلید نابجا از زبان‌های دیگر در انتخاب کلمات است. مشخص‌ترین وجه این تقلید «گزته‌برداری» است. «گزته» یعنی نمونه. در اصطلاح، گزته‌برداری یعنی: «به کار بردن کلمه‌ی در زبان فارسی به تقلید و پیروی از کاربرد آن کلمه در زبان دیگر، بدون آن که چنان کاربردی با مختصات و ویژگی‌های فرهنگ و زبان ما سازگار باشد.»

این آفت در آغاز از «ترجمه» به زبان فارسی راه پیدا کرد. بعضی مترجمان به جای آن که بکوشند معادل‌های مناسبی برای کلمات یا اصطلاحات زبان‌های دیگر پیدا کنند، بی‌درنگ ترجمه‌ی تحت‌اللفظی آن را به کار می‌برند. گاهی این معادل‌ها با فضای زبان ما بیگانه است، اما به دلیل شیوع بیماری «کاهلی و سهل‌انگاری» به زبان و قلم جامعه نیز سرایت می‌کند. مثلاً بار اول، مترجمی کم‌توان با این جمله برخورد می‌کند:

I count on you.

این مترجم در همان برخورد نخست، جمله‌ی مزبور را به این شکل ترجمه می‌کند:

من روی تو حساب می‌کنم.

این جمله از لحاظ ترجمه‌ی تحت‌اللفظی درست است، اما آن مترجم نمی‌اندیشد که در زبان فارسی تعبیر «حساب کردن روی کسی» وجود ندارد و با فرهنگ ما بیگانه است. اگر مترجم به خود زحمت دهد و جمله‌ی فوق را با توجه به معنای آن در کل متن بررسی کند، می‌تواند آن را به یکی از شکل‌های زیر ترجمه کند تا هم معادل جمله انگلیسی باشد و هم با عرف زبان فارسی مطابقت کند:

چشم امید من به تو است.

من به تو امید بسته‌ام.

پشتگرمی من به تو است.

من به تو اطمینان دارم.

امام خمینی (ره)



بازخوانی مواضع رهبر معظم انقلاب؛

## تحول در حوزه

کردن است، نه حفظ کردن. حفظ محوری، همان چیزی است که امروز بالای تعلیم و تربیت جدید ماست و ما مدت‌هاست که داریم با آن مقابله و مبارزه می‌کنیم و هنوز هم روبه‌راه نشده است و باید روبه‌راه شود. در حوزه، اساس سنتی ما بر پایه‌ی فکر کردن است. طلبه درس را که می‌خواند، اولاً قبلاً پیش مطالعه می‌کند، ذهنش را آماده می‌کند تا از استاد حرف نوبشود. بعد از درس، آن درس را با رفیقی مباحثه می‌کند؛ یک بار به او درس می‌گوید، یک بار او به انسان درس می‌گوید؛ لذا در ذهن جایگزین می‌شود. در بعضی از حوزه‌ها مثل نجف، تقریر درس استاد معمول بود - در قم کمتر وجود داشت یا نداشت و خیلی به ندرت بود - طلبه‌ی فاضلی بعد از درس استاد می‌نشست، همان درسی را که استاد گفته بود، برای بعضی از طلابی که احتیاج داشتند، دوباره می‌گفت. ببینید این کار چقدر در عمق بخشیدن به علم و سواد و معلومات محصل و طالب علم تأثیر می‌گذارد. این سنت‌ها را نباید از دست داد؛ این‌ها حیث است.

احترام به استاد هم یک مسأله است. یکی از سنت‌های رایج حوزه‌های علمیه، تواضع شاگرد در مقابل استاد بود. احترام به استاد، «آداب المتعلمین» می‌نوشتند، که متعلم در مقابل معلم چه وظایفی دارد و معلم چه حقوقی بر او دارد؛ هم‌چنان که متقابلاً متعلم بر معلم حقوقی دارد. این که استاد بیاید بگوید و برود، نه؛ حرف شاگرد را می‌شنفتند، گوش می‌کردند. این‌ها از قدیم معمول بوده است. در همین زمان ما بعضی از بزرگان بودند، الان هم هستند؛ شاگرد بعد از درس، تا خانه‌ی استاد او را همراهی می‌کرد؛ بحث می‌کرد، صحبت می‌کرد، سؤال می‌کرد. گعده، گعده‌ی علمی؛ نشست، نشست تحقیقی و سؤال و جواب؛ این‌ها سنت‌های خوب حوزه‌ی ماست. دیگران می‌خواهند این‌ها را از ما یاد بگیرند، ما بیاییم این‌ها را تبدیل کنیم به روش‌های دیگران که منسوخ و کهنه است؟! پس این سنت‌ها باید باقی بماند و تقویت شود. تحول به معنای تغییر این‌ها نیست.

یکی از چیزهایی که در تحول مثبت حتماً لازم است، این است که ما خودمان را و تلاش و فعالیت علمی خودمان را با نیازها منطبق کنیم. یک چیزهایی هست که مردم ما به آنها احتیاج دارند، پاسخش را از ما می‌خواهند؛ ما باید آنها را فراهم کنیم. یک چیزهایی هم هست که مردم احتیاجی به آنها ندارند؛ زیاد کار شده، زیاد تلاش شده؛ خودمان را سرگرم آنها نکنیم. این‌ها خیلی مسائل اساسی و مهمی است.

ما از دانشگاه‌ها می‌خواهیم که فعالیت خودشان را با نیازهای جامعه تطبیق دهند. با دانشگاه، با اساتید، با دانشجویان که مواجه می‌شویم، این را مکرر از این‌ها می‌خواهیم؛ می‌گوییم رشته‌های علمی‌تان را بر نیازهای جامعه منطبق کنید، ببینید چه لازم داریم. این در مورد حوزه‌ها به طریق اولی صادق است.

فقهی و حقوقی‌ای که پایه‌های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی و معنوی، غیره، غیره، همه‌ی این‌ها باید دقیق، علمی، قانع کننده و ناظر به اندیشه‌های رایج جهان آماده و فراهم شود؛ این کار حوزه‌هاست. با اجتهاد، این کار عملی است. اگر ما این کار را نکنیم، به دست خودمان کمک کرده‌ایم به حذف دین از صحنه‌ی زندگی بشر؛ به دست خودمان کمک کرده‌ایم به انزوای روحانیت. این، معنی تحول است. این حرکت نوبه‌نو اجتهادی، اساس تحول است.

حالا در زمینه‌های دیگر هم من عرض خواهیم کرد آن چیزی که تحول هست، آن چیزی که تحول نیست؛ یا به تعبیر بهتر، آن تحولی که صحیح است، آن تحولی که غلط است. عرض من همیشه این بوده و هست - قبلاً هم در جلسات متعدد با فضلالی حوزه این را مطرح کرده‌ایم - که تحول و دگرگونی یک امر قهری است؛ پیش می‌آید. امروز در اطراف مجموعه‌های گوناگون صنفی و ملی و غیره، در و دروازه و حصار وجود ندارد؛ منتها این تحول و تغییر را یا مدیریت می‌کنیم، آن را هدایت می‌کنیم، یا نه، رها می‌کنیم. اگر رها کردیم، باخته‌ایم. بزرگان حوزه، مراجع تقلید، اندیشمندان، دانشمندان و فضلا باید دامن‌ها را به کمر بزنند، همت کنند، این تحول را برنامه‌ریزی کنند، هدایت کنند، مدیریت کنند. بنابراین معنای اساسی تحول این است: حرکت نوبه‌نو محتوایی.

ممکن است یک معنای غلطی از تحول اراده بشود و فهم بشود، که حتماً باید از آن پرهیز کرد.

تحول به معنای رها کردن شیوه‌های سنتی بسیار کارآمد حوزه در تعلیم و تعلم و تبدیل این شیوه‌ها به شیوه‌های رایج دانشگاهی امروز نیست؛ این چنین تحول و تغییر و دگرگونی‌ای غلط اندر غلط است؛

این عقب‌گرد است.

امروز شیوه‌های گوناگون سنتی قدیمی ما دارد در دنیا شناخته می‌شود؛ بعضی یا از روی تقلید یا از روی ابتکار دارند همین شیوه‌ها را رایج می‌کنند. ما شیوه‌های دانشگاهی خودمان را که برگرفته و نسخه‌نویسی‌شده‌ی از شیوه‌های قدیمی غربی است، بیابوریم در حوزه حاکم کنیم؛ نه، ما این را تحول نمی‌دانیم. اگر چنین دگرگونی‌ای رخ بدهد، قطعاً ارتجاع و عقب‌گرد است؛ این را قبول نداریم. ما در حوزه‌ی علمیه شیوه‌های بسیار خوبی رایج داریم، از قدیم معمول بوده؛ شیوه‌ی انتخاب آزادانه‌ی استاد به وسیله‌ی طلبه، طلبه وارد حوزه که می‌شد و می‌شود، می‌گردد استاد مورد قبول و مورد علاقه‌ی خودش را پیدا می‌کند، به درس او می‌رود. اساس کار طلبگی، فکر کردن و دقت کردن و مطالعه

مسأله‌ی مهم دیگری که مطرح است و در آن باب باید سخن روشن به میان بیاید، مسأله‌ی تحول در حوزه‌هاست. چند سال است که مسأله‌ی تحول در حوزه‌های علمیه، به خصوص در حوزه‌ی مبارکه‌ی علمیه‌ی قم مطرح است. این تحول یعنی چه؟ حوزه می‌خواهد چه کار کند که اسمش تحول باشد؟ اگر تحول را به معنای تغییر خطوط اصلی حوزه‌ها بدانیم - مثل تغییر متد اجتهاد - قطعاً این یک انحراف است. تحول است، اما تحول به سمت سقوط. شیوه‌ی اجتهادی که امروز در حوزه‌های علمیه رایج است و علمای دین به آن متکی هستند، یکی از قوی‌ترین و منطقی‌ترین شیوه‌های اجتهاد است؛ اجتهاد متکی به یقین و علم، با اتکالی به وحی؛ یعنی از ظن به دور است و استنباط ما استنباط علمی و یقینی است. این ظنون خاصه‌ای هم که وجود دارد، همه‌ی این‌ها حجیتش باید یقینی و قطعی باشد. حتی اعتبار اصول عملیه‌ای که ما در فقه از آن استفاده می‌کنیم، باید اعتبار جزئی و قطعی باشد. تا وقتی که از دلیل قطعی به معتبر بودن این اصل عملی - استصحاب یا برائت یا اشتغال، هر کدام در مجاری خودشان - جزم پیدا نکنیم، نمی‌توانیم از این اصل استفاده کنیم. بنابراین یا بی‌واسطه یا به واسطه، همه‌ی شیوه‌های استنباط ما در فقه منتهی می‌شود به قطع و یقین.

اجتهاد در شیعه به معنای تکیه به ظنون غیرمعتبر نیست؛ همین‌ی که قدمای ما اصطلاح اجتهاد به رأی، اجتهاد متکی به ظنون غیرمعتبر، مثل قیاس، مثل استحسان و امثال این‌ها را به کار بردند و کتاب‌ها نوشتند: «الرَدُّ عَلَى اصحاب الاجتهاد فی احکام». اسماعیل بن ابوسهل نوبختی، سید مرتضی در «ذریعه»، شیخ در «عده‌الاصول» و دیگران و دیگران، این اجتهاد متکی به ظنون غیرمعتبر را رد کردند. این اجتهاد مردود است. امروز هم تحت هر نامی کسانی به این جور اجتهادها روی بیاورند، مردود است. این که حالا دنیا این را از ما نمی‌پسندد، این حرف فقهی در دنیا خریدار ندارد، یا این را صریحاً بگویند یا نگویند، اما در دلشان این باشد و این‌ها را به یک استنباط غلطی بکشاند، این مردود است. متأسفانه در مواردی در گوشه و کنار دیده شده که برای این که عرف دنیای متمدن - که عمدتاً مادی است - رعایت شود، در استنباط احکام شرعی دخل و تصرف شده است؛ حتی بدتر از این، برای این‌که گاهی دل قدرتهای مادی به دست بیاید - نه حالا عرف دنیای مادی رائج، بلکه عرف قدرتهای مادی و استکباری رعایت شود، فتوا داده شده؛ تلاش صلح‌آمیز هسته‌ی جمهوری اسلامی به دلیل این که موجب سوء ظن قدرتهای بزرگ است، ممنوع است! خوب، غلط کردند سوء ظن دارند.

اگر اجتهاد با همان شیوه‌ی درست و صحیح خود، که تکیه‌ی به کتاب و سنت است، و با آن متد معقول صحیح منطقی حساب شده‌ی پخته انجام بگیرد، بسیار خوب است. اجتهادها ولو نتایج مختلفی هم داشته باشد، موجب بالندگی است، موجب پیشرفت است. مجتهدین ما، فقهایی ما در طول تاریخ قفاهت ما، در مسائل گوناگون نظرات مختلفی ایراد کردند. شاگرد علیه نظر استاد، باز شاگرد او علیه نظر او حرف‌هایی زده‌اند، مطالبی گفته‌اند. هیچ اشکالی ندارد؛ این موجب بالندگی و پیشرفت است. این اجتهاد باید در حوزه تقویت شود. اجتهاد مخصوص فقه هم نیست؛ در علوم عقلی، در فلسفه، در کلام، اجتهاد کسانی که فنان این فنون هستند، امر لازمی است. اگر این اجتهاد نباشد، خواهیم شد آب راکد.

امروز حوزه نباید در صحنه‌های متعدد فلسفی و فقهی و کلامی در دنیا غایب باشد. این همه سؤال در دنیا و در مسائل گوناگون مطرح است؛ پاسخ حوزه

یک چیزهایی هست که مردم احتیاجی به آنها ندارند؛ زیاد کار شده، زیاد تلاش شده؛ خودمان را سرگرم آنها نکنیم.

چیست؟ نه باید غایب باشد، نه باید منفعل باشد؛ هر دو ضرر دارد. فکر نو لازم است، پاسخ به نیازهای نوبه‌نو لازم است که دارد مثل سیل در دنیا مطرح می‌شود؛ باید شما برایش جواب فراهم کنید. جواب شما باید

ناظر باشد به این نیاز، و نیز ناظر باشد به پاسخ‌هایی که مکاتب و فرقه‌های گوناگون می‌دهند. اگر از جواب‌های آنها غافل باشید، پاسخ شما نمی‌تواند کار خودش را انجام دهد. باید پاسخ قوی، منطقی و قانع کننده بیاورید وسط. باید پاسخ‌ها در دنیا مطرح شود. دائم بایستی صادرات قم - همان طور که عرض کردیم، این قلب معرفتی دنیای اسلام - پمپاژ بشود. امروز خوشبختانه وسایل ارتباطی سریع در اختیار همه هست. شما می‌توانید این‌جا اقدامی بکنید، در آن طرف دنیا در همان ساعت از شما بشنوند و استفاده کنند.

در زمینه‌های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد؛ هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور، هم در سطح جهان. تبیین معرفت‌شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم